

تحریم‌های اتحادیه اروپا، کرامت انسانی و پرونده حسین دغرو: تحلیلی حقوقی (گسترش‌یافته)

در اتحادیه اروپا معاصر، تحریم‌های هدفمند به ابزاری مرکزی و فزاینده در حکمرانی پیشگیرانه تبدیل شده‌اند. این 措施ها که برای مقابله با تروریسم، اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، عملیات سایبری و تهدیدهای ترکیبی طراحی شده‌اند، رسماً اداری و پیشگیرانه هستند نه تنبیهی. با این حال، اثرات عملی آنها ممکن است به — و گاهی فراتر از — مجازات‌های کیفری نزدیک شود.

پرونده حسین دغرو، روزنامه‌نگار آلمانی که گزارش شده برای دوره‌های طولانی قادر به دسترسی به وجوه کافی برای تأمین غذا و necessities پایه برای خانواده‌اش پس از قرار گرفتن در فهرست رژیم تحریم‌های اتحادیه اروپا نبوده است، تنش عمیقی را در نظم حقوقی اروپایی نشان می‌دهد. تعهدات конституционный اتحادیه به کرامت انسانی، تناسب و حمایت قضایی مؤثر در کنار مکانیسم‌های نظارتی که قادر به تولید انزوای شدید اجتماعی-اقتصادی هستند، همزیستی دارند.

II. تاریخ و زمینه نظارتی پرونده

حسین دغرو، روزنامه‌نگار مقیم برلین با منشأ ترکی-کردی، پلتفرم انگلیسی‌زبان **red.media** را بنیان نهاد که به AFA Medya مرتبط است. این رسانه **reportedly** بر دیدگاه‌های ضداستعماری و چپ‌گرا تمرکز داشت و پوشش گسترده‌ای از تظاهرات طرفدار فلسطین و درگیری غزه ارائه می‌داد و اغلب سیاست‌های آلمان و اتحادیه اروپا را مورد انتقاد قرار می‌داد.

در ۲۰ مه ۲۰۲۵، شورای اتحادیه اروپا، دغرو و رسانه‌اش را تحت چارچوب تحریم‌های مربوط به تهدیدهای ترکیبی و بی‌ثبات‌سازی قرار داد. فهرست‌گذاری به ادعای دخالت در فعالیت‌های دستکاری اطلاعات مرتبط با منافع استراتژیک روسیه اشاره داشت.

نکات حیاتی:

- این designation اداری بود نه کیفری؛
- هیچ کیفرخواستی، محکومیتی یا جلسه استماع adversarial پیش از 措施های محدودکننده وجود نداشت.

پیامدها شامل موارد زیر بودند:

- انجماد جامع دارایی‌ها؛
- محدودیت‌های سفر و تسلیم اسناد؛
- ممنوعیت ارائه منابع اقتصادی؛
- اثرات غیرمستقیم بر دسترسی مالی اعضای خانواده.

درخواست‌های بازنگری در سپتامبر ۲۰۲۵ رد شدند. proceedings لغو همچنان در دادگاه عدالت اتحادیه اروپا معلق است. litigation داخلی پس از امتناع بانک‌ها از آزادسازی وجوه مجاز برای کمک‌های معیشتی شدت گرفت و به رد کمک اضطراری توسط دادگاه منطقه‌ای فرانکفورت در مارس ۲۰۲۶ انجامید.

III. ماهیت حقوقی تحریم‌های هدفمند اتحادیه اروپا: 措施های پیشگیرانه با اثرات شبه‌تنبیهی

تحریم‌های هدفمند اتحادیه اروپا موقعیت دکترینال مبهمی اشغال کرده‌اند. رسماً، آنها هستند:

- measureهای اداری پیشگیرانه
- با هدف اختلال در شبکه‌ها و عملیات نفوذ
- توجیه‌شده توسط صلاحیت‌های روابط خارجی و امنیتی.

اما 实质اً، ممکن است تولید کنند:

- محرومیت مالی بلندمدت؛
- انگ اجتماعی و شهرت آسیب‌دیده؛
- محدودیت‌های تحرک و فعالیت حرفه‌ای؛
- وابستگی به discretion اداری برای منابع بقا.

این ماهیت دوگانه در jurisprudence landmark دادگاه عدالت اتحادیه اروپا، به ویژه در **Kadi v Council**، به رسمیت شناخته شده است که تأیید کرد حتی تحریم‌های مبتنی بر امنیت همچنان مشمول بررسی کامل برای تناسب و رعایت حقوق بنیادین هستند.

ماهیت پیشگیرانه تحریم‌ها، ظرفیت آنها برای تداخل عمیق با موارد زیر را حذف نمی‌کند:

- حقوق مالکیت،
- زندگی خصوصی و خانوادگی،
- آزادی بیان،
- تضمین‌های حداقل معیشت.

بنابراین، چالش دکترینال در اطمینان از این است که منطق پیشگیرانه، конституционный **accountability** را تحت الشعاع قرار ندهد.

IV. primacy قانون اتحادیه اروپا و نقش دادگاه‌های ملی

استدلال دادگاه فرانکفورت ظاهراً تفسیر محدودکننده‌ای از primacy قانون اتحادیه اروپا را منعکس می‌کند که از پرونده‌هایی مانند **Costa v ENEL** و **Simmenthal** مشتق شده است. این تصمیمات 确实 برقرار می‌کنند که قانون

ملی باید در برابر measure های اتحادیه اروپا که مستقیماً قابل اعمال هستند، تسلیم شود.

با این حال، primacy درون یک اکوسیستم конституционный عمل می‌کند که شامل تضمین‌های حقوق بنیادین جاسازی شده در خود قانون اتحادیه اروپا است.

دادگاه‌های ملی بنابراین چندین تعهد دارند:

1. **تفسیر منطبق با حقوق آنها** باید مقررات تحریم‌ها — از جمله derogations بشردوستانه — را در پرتو منشور اتحادیه اروپا تفسیر کنند.

2. **بررسی تناسب measure های اجرایی** شیوه‌های بانکی و تصمیمات اجرای اداری همچنان قابل بررسی هستند.

3. **مکانیسم ارجاع مقدماتی** جایی که تفسیر یا اعتبار نامطمئن است، دادگاه‌ها باید با دادگاه عدالت اتحادیه اروپا تعامل کنند نه اینکه تحریم‌ها را به عنوان مطلقاً normative تلقی کنند.

مسئله کلیدی بنابراین نه یک تعارض دوگانه بین primacy و کرامت، بلکه **میزان حاشیه تفسیری درون خود قانون اتحادیه اروپا** است.

V. derogations بشردوستانه و آزمون تناسب

رژیم‌های تحریم اتحادیه اروپا معمولاً شامل derogations هستند که اجازه دسترسی به وجوه لازم برای موارد زیر را می‌دهند:

- غذا،
- اجاره،
- درمان پزشکی،
- هزینه‌های حقوقی.

اثربخشی این safeguards باید با استفاده از چارچوب تناسب کلاسیک اتحادیه اروپا ارزیابی شود.

۱. هدف مشروع

مقابله با تهدیدهای ترکیبی و دستکاری اطلاعات، هدف شناخته‌شده‌ای از اقدام خارجی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد.

۲. مناسب بودن

محدودیت‌های مالی ممکن است plausibly ظرفیت تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده را کاهش دهند.

۳. ضرورت

سؤال حیاتی مطرح می‌شود:

آیا ان exclusion بانکی جامع لازم است در جایی که مقامات allowances معیشتی را مجاز کرده‌اند؟

اگر альтернативهای کمتر محدودکننده وجود داشته باشند — مانند حساب‌های نظارت‌شده یا مکانیسم‌های پرداخت نظارت‌شده — ضرورت ممکن است برآورده نشود.

۴. تناسب *stricto sensu*

جایی که اجرای آن خطر انداختن یک فرد و کودکان وابسته به فقر شدید را دارد، تعادل بین اهداف امنیتی و کرامت انسانی از نظر конституционный حاد می‌شود.

عدم عملیاتی‌سازی derogations بشردوستانه ممکن است بنابراین تحریم‌های هدفمند форм را به ابزارهای de facto محرومیت اجتماعی-اقتصادی تبدیل کند.

VI. تضمین‌های конституционный آلمانی و *jurisprudence* حداقل

معیشت

قانون اساسی آلمان شامل موارد زیر است:

- غیرقابل تعرض بودن کرامت انسانی (ماده ۱ GG)،
- آزادی عمومی (ماده ۲ GG)،
- حفاظت از مالکیت (ماده ۱۴ GG)،
- اصل دولت اجتماعی (ماده ۲۰ GG).

конституционный *jurisprudence* آلمانی، تعهد دولتی به اطمینان از شرایط برای حداقل وجود با کرامت را به رسمیت می‌شناسد.

در حالی که تحریم‌ها از قانون اتحادیه اروپا مشتق می‌شوند، اجرای آنها توسط مقامات ملی و مؤسسات مالی باید با این استانداردها سازگار بماند. جایی که شیوه‌های اجرایی خطر محرومیت طولانی از کالاهای ضروری را دارند، سؤالاتی در مورد تناسب конституционный و مسئولیت غیرمستقیم دولتی ممکن است مطرح شود.

VII. منشور اتحادیه اروپا و تعهدات کنوانسیون

منشور اتحادیه اروپا تضمین می‌کند:

- کرامت،
- زندگی خانوادگی،
- آزادی بیان،
- مالکیت،
- *remedy* قضایی مؤثر.

حفاظت‌های موازی تحت کنوانسیون اروپایی حقوق بشر وجود دارد که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر تفسیر می‌شود.

jurisprudence کنوانسیون به طور فزاینده‌ای تعهدات مثبت را به رسمیت می‌شناسد که ایجاب می‌کند دولت‌ها از شرایط محرومیت مادی شدید جلوگیری کنند جایی که چنین شرایطی به اقدام دولتی یا چارچوب‌های نظارتی قابل انتساب است.

بنابراین، مسئله نه تنها این است که آیا تحریم‌ها در اصل lawful هستند، بلکه اینکه اجرای عملی آنها حداقل آستانه‌های بشردوستانه را رعایت می‌کند یا خیر.

VIII. اثرات جانبی و سرد شدن همبستگی مدنی

یکی از متمایزترین جنبه‌های پرونده دگرو مربوط به ریسک حقوقی است که طرف‌های ثالث در ارائه کمک بشردوستانه با آن مواجه هستند.

تحت قانون اجرای تحریم‌های آلمانی، ارائه حمایت مادی به افراد فهرست شده ممکن است جرم کیفری محسوب شود. این ریسک بالقوه شامل موارد زیر می‌شود:

- خرید مواد غذایی،
- لوازم نوزاد،
- کمک مسکن.

حتی در غیاب تعقیب فعال، محیط نظارتی ممکن است اثر سردکننده بر شبکه‌های همبستگی غیررسمی ایجاد کند.

از دیدگاه حقوق بشر، تحریم‌ها بنابراین می‌توانند منظره ریسک حقوقی جامعه مدنی را بازسازی کنند و deterrence را فراتر از فرد فهرست شده گسترش دهند.

این پدیده ممکن است به عنوان مفهوم‌سازی شود:

تأثیر جانبی بر حقوق بنیادین — جایی که measureهای پیشگیرانه به طور غیرمستقیم **行使** همبستگی، انجمن و اقدام بشردوستانه را محدود می‌کنند.

چنین اثرانی سؤالات پیچیده‌ای در مورد تناسب و legitimacy دموکراتیک مطرح می‌کنند.

IX. حفاظت موقت و امکان measureهای Rule 39

قانون ۳۹ Rules of Court به دادگاه اروپایی حقوق بشر اجازه می‌دهد measureهای موقت را در جایی که خطر imminent آسیب غیرقابل جبران وجود دارد، نشان دهد.

در حالی که traditionally در موارد اخراج یا پزشکی فوری اعمال می‌شود، jurisprudence در حال تحول پیشنهاد می‌کند که محرومیت بشردوستانه شدید مرتبط با اقدام دولتی نیز ممکن است به آستانه مورد نیاز برسد.

با این حال، دادگاه استناد دارد بالایی از فوریت و وضوح evidentiary اعمال می‌کند. کاربردهای موفق احتمالاً نیازمند موارد زیر خواهند بود:

- مستندسازی دقیق محرومیت،
- اثبات remedies داخلی ناکارآمد،
- demonstration ریسک برای کودکان وابسته.

کمک موقت بالقوه می تواند مقامات ملی را ملزم به اطمینان از دسترسی مؤثر به وجوه معیشتی مجاز تا adjudication نهایی کند.

X. بشردوستانه خارجی گرایی و اعتبار داخلی قدرت normative اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا خود را در سطح جهانی به عنوان بازیگر بشردوستانه پیشرو قرار می دهد و به پاسخ به قحطی، جابه جایی و درگیری مسلحانه کمک مالی می کند. این engagement بشردوستانه خارجی بخشی از هویت اتحادیه به عنوان قدرت normative است.

با این حال، پرونده هایی که افراد تحریم شده و خانواده هایشان با محرومیت مالی طولانی در قلمرو اتحادیه اروپا مواجه هستند، ممکن است ادراک ناسازگاری ایجاد کنند.

ماده ۷ TFEU نیازمند coherence بین سیاست های اتحادیه است. اگر safeguards بشردوستانه در قوانین تحریم وجود داشته باشند اما در عمل شکست بخورند، سؤالاتی در مورد موارد زیر مطرح می شود:

- انتظارات مشروع،
- تناسب،
- اعتبار سیستمیک تعهدات حقوق بنیادین.

پارادوکس نه تنها rhetorical است. آن به پایداری داخلی legitimacy اتحادیه مربوط می شود.

نظم حقوقی که بر کرامت تأکید خارجی دارد، باید ظرفیت عملی برای جلوگیری از emergencies بشردوستانه درون jurisdiction خود را نشان دهد.

XI. رعایت بانکی، اجرای بیش از حد و مسئولیت بالقوه

مؤسسات مالی تحت incentives قوی برای اجتناب از نقض تحریم ها عمل می کنند که می تواند جریمه های نظارتی شدید به همراه داشته باشد. این محیط over-compliance را تشویق می کند، از جمله رد blanket تراکنش های مجاز.

اینکه آیا مسئولیت ایجاد شود بستگی به موارد زیر دارد:

- وضوح authorisation اداری،
- استانداردهای negligence تحت قانون مدنی ملی،
- causation بین رد و آسیب demonstrable.

در حالی که **accountability** حقوقی بانک‌ها پیچیده باقی می‌ماند، دادگاه‌ها ممکن است به طور فزاینده‌ای بررسی کنند که آیا تمرین‌های اجتناب از ریسک، اثربخشی **derogations** بشردوستانه را تضعیف می‌کنند.

XII. چشم‌اندازهای اصلاح قضایی

چندین مسیر برای **redress** حقوقی باقی مانده است:

- بررسی **appellate** درون دادگاه‌های آلمانی؛
- شکایت **конституционный** پیش از دادگاه **конституционный** فدرال؛
- **proceedings** لغو پیش از دادگاه عدالت اتحادیه اروپا؛
- کاربرد بالقوه به دادگاه اروپایی حقوق بشر.

در صورت اثبات نقض‌ها، **remedies** ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- جبران تحت دکترین‌های مسئولیت دولتی،
- لغو فهرست‌گذاری،
- تضمین‌های بشردوستانه موقت،
- **damages** تحت ماده ۴۱ ECHR.

تبیین قضایی همچنین ممکن است طراحی آینده تحریم‌ها را شکل دهد با تعریف استانداردهای عملیاتی حداقل برای **safeguards** بشردوستانه.

XIII. نتیجه‌گیری: حکمرانی امنیتی و **primacy** کرامت انسانی

پرونده دغرو تنش ساختاری درون حکمرانی اروپایی مدرن را روشن می‌کند. رژیم‌های تحریم پیشگیرانه به دنبال حفاظت از سیستم‌های دموکراتیک در برابر بی‌ثبات‌سازی پنهان هستند. با این حال، وقتی به طور سفت و سخت یا بدون **mitigation** بشردوستانه مؤثر اجرا شوند، ممکن است شرایطی نزدیک به محرومیت تهدیدکننده زندگی تولید کنند.

چالش برای دادگاه‌های اروپایی بنابراین نه **dismantling** سیاست تحریم‌ها، بلکه **articulate** کردن محدودیت‌های اصولی است که اطمینان می‌دهد **measure**‌های امنیتی پیشگیرانه در **humanism** **конституционный** لنگر انداخته باقی بمانند.

در نهایت، اعتبار نظم حقوقی اروپایی به توانایی آن در آشتی **resilience** استراتژیک با وعده بنیادین وابسته است که کرامت انسانی مشروط نیست — حتی در دوران **confrontation** ژئوپلیتیک